

تأثیر مشاوره در پیشرفت تحصیلی دانشجویان

دکتر عصمت فاضلی*

عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی

آموزش عالی

چکیده

مشاوره عامل مؤثری برای حل بسیاری از مسائل دانشجویان است. در حال حاضر، هر یک از دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ایران دارای یک مرکز مشاوره دانشجویی است که در آن خدمات مشاوره به دانشجویان ارائه می‌شود. هدف اصلی پیمایش مقطعی حاضر بررسی تأثیر مشاوره در پیشرفت تحصیلی دانشجویان است. الگوی نظری این پژوهش شامل عواملی مانند بهبود روابط متقابل در خانواده، کسب یا ارتقای مهارتهای اجتماعی، کسب و ارتقای خودپنداری مثبت و شغل‌یابی و رضایت شغلی می‌باشد. فرض بر این است که یاری رساندن به دانشجویان در این زمینه‌ها در حل مسائل تحصیلی و در نهایت، پیشرفت تحصیلی آنان مؤثر خواهد بود. جامعه آماری این تحقیق مراکز مشاوره دانشجویی بودند.

یافته‌ها حاکی از آن است که بین مراکز مشاوره دانشجویی از نظر دارا بودن فضا و نیروی انسانی متخصص تفاوت چشمگیری وجود دارد؛ ارائه خدمات بعضی از آنها، از نظر اینکه قادر به رفع نیازهای روز افزون دانشجویان باشند، محدود است. ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که در میان عوامل چهارگانه کلیدی مدل نظری همبستگی وجود دارد. همچنین، نتایج عملیات رگرسیونی و مدل‌سازی معادله ساختاری نشان می‌دهد که مراکز مشاوره دانشجویی می‌توانند در موارد چهارگانه مذکور در مدل نظری به دانشجویان کمک کنند و این امر می‌تواند در حل مسائل آموزشی به پیشرفت تحصیلی مؤثر منجر شود. مهم‌ترین عامل در فرایند ارائه این خدمات، کمک به کسب و ارتقای خود پنداری مثبت در دانشجویان است.

* پست الکترونیکی: Fazeli@irphe.ir

با توجه به تأثیر خدمات مراکز مشاوره دانشجویی، تقویت و توجه بیشتر به این نهادهای ارزشمند ضروری به نظر می‌رسد.

کلید واژگان: مراکز مشاوره دانشجویی، پیشرفت تحصیلی، بهبود روابط متقابل در خانواده، آموزش مهارت‌های اجتماعی، ارتقای خودپنداری مثبت، شغل‌یابی و رضایت شغلی.

مقدمه

در حال حاضر، بسیاری از محققان و صاحب‌نظران (Barry, ۱۹۹۸; Bishop et al., ۱۹۹۹) مشاوره دانشجویی می‌تواند خدمات یاورانه ارزشمندی به دانشجویان ارائه کنند. کمک به کسب و افزایش خودپنداری مثبت^۱، حل مسائل شغلی، بهبود روابط متقابل در خانواده^۲ و کسب یا افزایش مهارت‌های اجتماعی^۳ از مهم‌ترین این خدمات به شمار می‌آیند. پیشرفت در این زمینه‌ها موجب کاهش و حل مسائل مربوط به دوران تحصیلی دانشجو و در نهایت، باعث پیشرفت تحصیلی وی می‌شود.

درواقع، خدمات مراکز مشاوره دانشجویی عامل مهمی در فراهم آوردن فراغت خاطر بیشتر، پیشرفت تحصیلی بهتر و تأمین سعادت آتی مطمئن‌تری برای دانشجویان محسوب می‌شود (رحیمیان، ۱۳۷۷؛ رضازاده و یگانه، ۱۳۷۸؛ فاضلی،

-
- . Positive self – esteem or self - concept
 - . Interaction
 - . Social Skills

(Hodges, ۲۰۰۲؛ ۱۳۸۱). به همین دلیل، گفته می‌شود که رسالت سنگینی برعهده مراکز مشاوره دانشجویی است. این رسالت با پیچیده‌تر شدن جامعه سنگین‌تر می‌شود، زیرا درچنین شرایطی دانشجویان تحت فشار و استرس بیشتری قرار می‌گیرند (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۰؛ ۱۹۹۸؛ Ghaffarian, ۲۰۰۲; Borders, Gilbert, ۱۹۹۲). از نظر پیشرفت تحصیلی دانشجویان، نقش مشاوران آن قدر اهمیت دارد که برخی از نویسندگان (Gysbers, ۲۰۰۱; Green & Keys, ۲۰۰۱) آنها را جزء مهمی از نظام آموزشی می‌دانند.

گرچه درحال حاضر اکثر دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دارای یک مرکز مشاوره دانشجویی هستند، به نظر می‌رسد که بعضاً این مراکز چندان مورد استقبال دانشجویان قرار نمی‌گیرند یا اینکه فعالیت انجام شده توسط آنها موفقیت‌آمیز نیست. به رغم انتشار گزارشهایی از چگونگی فعالیتهای این مراکز، مطالعات جامع و مبتنی بر چهارچوب نظری در این زمینه به ندرت صورت پذیرفته است. این درحالی است که افزایش تعداد دانشجویان و گرایش آنها به مهاجرت از شهرهای کوچک و مکانهای دوردست به شهرهای بزرگ کشور موجب بروز پدیده‌های اجتماعی خاصی شده است که خدمات مشاوره‌ای گسترده‌ای را می‌طلبد. به همین دلیل، بررسی تأثیر مشاوره در پیشرفت تحصیلی دانشجویان از اهمیت فراوانی برخوردار است (ریاضی، ۱۳۷۹؛ سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۰). هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تأثیر مشاوره در پیشرفت تحصیلی دانشجویان بوده است.

پرسشهای تحقیق حاضر نیز در ارتباط با هدف مورد نظر طراحی شده‌اند. در این خصوص، دو پرسش عمده در چهارچوب نظری پژوهش مطرح می‌شوند.

اولین پرسش مبتنی بر آن است که مراکز مشاوره دانشجویی تا چه حد می‌توانند در بهبود روابط متقابل در خانواده، کسب یا ارتقای مهارت‌های اجتماعی، کسب و ارتقای خودپنداری مثبت و شغل‌یابی و رضایت شغلی^۴ به دانشجویان کمک کنند؟ دومین سؤال در صدد کسب اطلاع از این امر است که موارد مزبور تا چه حد در حل مسائل آموزشی منجر به پیشرفت تحصیلی دانشجویان مؤثرند؟ پاسخ به این پرسشها می‌تواند ماهر تأیید دیگری بر یافته‌های محققان پیشین (Paulson, et al., ۱۹۹۹; Legum & Hoare, ۲۰۰۴; Brigman & Campbell, ۲۰۰۳) بزند.

پیشینه تحقیق

تحقیقاتی درباره تأثیر مشاوره و روان‌درمانی در تعدیل مسائل و مشکلات افراد انجام شده است. نتایج به دست آمده از اکثر قریب به اتفاق این مطالعات حاکی از آن است که متقاضیان اثر مشاوره یا روان‌درمانی را در تعدیل مسائل و مشکلات خویش مثبت و مفید قلمداد می‌کنند (سودائی، ۱۳۷۵؛ شکری، ۱۳۷۵؛ فاضلی، ۱۳۸۱؛ منصور کیانی، ۱۳۷۴؛ یعقوبی، ۱۳۷۶). چنان که در این خصوص، سازمان ملی جوانان (۱۳۸۳) در مورد نقش مشاوره در حل مسائل جوانان، از جمله مسائل تحصیلی، می‌نویسد که نتایج پژوهش این سازمان مؤید آن است که مشاوره نقشی پر اهمیت در زندگی جوانان امروزی داشته است و روز به روز بر میزان اهمیت آن افزوده می‌شود.

یکی از جدیدترین تحقیقات مهم در این زمینه، که با عوامل مدل نظری پژوهش حاضر در ارتباط نزدیک است، کار پولسان و همکاران وی (۱۹۹۹) می‌باشد. این پژوهشگران درباره تأثیر مشاوره و روان‌درمانی در تعدیل مشکلات و مسائل تعدادی از افراد هجده سال به بالا که حداقل یازده بار به مرکز مشاوره یکی از دانشگاه‌های کانادا مراجعه کرده و در آنجا آموزش^۵ دیده بودند، تحقیق کردند. از نظر این افراد مهم‌ترین آثار خدمات یاورانه مشاوره و روان‌درمانی در آنها عبارت بوده‌اند از: ۱. تسهیل بهبود روابط متقابل در خانواده؛ ۲. کسب یا افزایش مهارت‌های اجتماعی؛ ۳. کمک به کسب و افزایش خودپنداری مثبت و ۴. شغل‌یابی و رضایت شغلی. بنا به گفته پژوهشگران این تحقیق، یافته‌های آنها با نتایج به دست آمده از کار سایر محققان هماهنگ است. با وجود این، در تعمیم نتایج حاصل شده از این تحقیق باید توجه داشت که جامعه آماری آن فقط یک مرکز بهداشتی دانشگاهی و نمونه آماری آن متشکل از صرفاً تعداد معدودی از مراجعه‌کنندگان بوده است.

مطالعه دیگری که در این زمینه انجام شده، کار کنث و راجر (Kennerth & Roger) است. در این پژوهش تجربی، چگونگی حل مسائل آموزشی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان در اثر ارائه خدمات مشاوره، در تعدادی از دانشگاه‌های امریکا، مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که مشاوره تأثیر مهمی در کسب و ارتقای خودپنداری مثبت، افزایش مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان دارد، رفع مشکلات در این زمینه‌ها حل مسائل را در پی دارد و در نتیجه، موجب ارتقای توانمندی در آموزش می‌شود.

تحقیقی دیگر، بیشتر در ارتباط با تأثیر مشاوره در خود پنداری و شغل‌یابی، پژوهشی است که به وسیله مشاور شغلی دانشگاه دولتی کلرادو، فیلر (Feller, ۲۰۰۳) انجام گرفته است. این محقق نیز به تأثیر اجتناب‌ناپذیر مشاوره در کسب و ارتقای خودپنداری مثبت و کشف توانمندی‌های افراد در برنامه‌ریزی برای شغل‌یابی و رضایت شغلی اذعان دارد. وی با استناد به یافته‌های خویش می‌نویسد: «درنهایت، مشاوران مدارس و برنامه‌های مشاوره آموزشی در اینکه دانش پژوهان را با موفقیت وارد دوره‌های آموزشی بعدی کنند یا آنها را آماده ورود به بازارکار سازند، نقش حیاتی دارند.» فیلر با یاری گرفتن از یافته‌های سایر محققان اضافه می‌کند: «گرچه تغییرات ایجاد شده در مشاغل و بروز دگرگونی در محیط‌کاری نظریه‌ها و توانمندی‌های جدیدی را می‌طلبند، ولی تقویت نهادهای ارزشمند مشاوره دانشجویی ضروری است.»

در ایران، مطالعات پراکنده‌ای در زمینه تأثیر مشاوره در رفع مشکلات دانشجویان انجام گرفته است. علاوه بر این، تحقیقات انجام شده معمولاً بر پایه یک چهارچوب نظری نبوده است. برخی از یافته‌های این پژوهشها با یکدیگر همخوانی ندارند و گاهی متضاد یکدیگر نیز هستند. برای نمونه، سودایی (۱۳۷۵) به بررسی اثر مشاوره [فردی و گروهی] در کاهش باورهای غیرمنطقی دانشجویان پسر مجرد رشته‌های دبیری علوم پایه سال تحصیلی ۱۳۷۴-۱۳۷۵ دانشگاه شهید چمران، با تأکید بر روش درمانی عقلانی-عاطفی، پرداخت. نتایج به دست آمده نشان داد که مشاوره گروهی بر بعضی از باورهای غیرمنطقی و مشاوره فردی بر بعضی دیگر تأثیرگذار هستند. درحالی که منصورکیانی (۱۳۷۴) در مطالعه تأثیر روشهای مشاوره فردی و گروهی در کاهش میزان اضطراب دانشجویان دختر مقطع

کارشناسی سال تحصیلی ۱۳۷۵-۱۳۷۴ دانشگاه تربیت معلم تهران به این نتیجه رسید که هر دو روش درکاهش میزان برخی از اختلالات روانی مانند اضطراب مؤثرند و تفاوت معنی‌داری بین این دو روش مشاهده نمی‌شود. نتایج مشابهی نیز توسط کابلی (۱۳۷۵) در مقایسه اثر روشهای مشاوره فردی و گروهی درافزایش خودپنداری مثبت دانشجویان پسر مجرد رشته‌های فنی و مهندسی سنین ۱۸ تا ۲۴ سال دانشگاه شاهرود، درسال تحصیلی ۱۳۷۵-۱۳۷۴، به دست آمد.

امکان دارد عواملی مانند جامعه آماری متفاوت، جنسیت یا نوع جمع‌آوری اطلاعات موجب دوگانگی یافته‌ها شده باشد. چنان که شکری (۱۳۷۵) نشان داد که رفع مشکلات افرادی که به مرکز مشاوره دانشجویی دانشگاه تربیت معلم تهران مراجعه کرده‌اند، به سن، جنسیت، تحصیلات، وضعیت تأهل، تعداد دفعات مراجعه آنان به مرکز و روش مشاوره‌ای به کارگرفته شده توسط مشاور ارائه‌کننده خدمات یاورانه بستگی دارد.

مطالعات دیگری نیز از طریق نظرسنجی توسط برخی از محققان ایرانی (خزائیلی و همکاران، ۱۳۷۴؛ رضازاده و یگانه، ۱۳۷۸؛ کافی و همکاران، ۱۳۷۳، ۱۳۷۷؛ مولوی، ۱۳۷۷؛ هرمزی، ۱۳۷۶؛ یعقوبی، ۱۳۷۶) به منظور سنجش سلامت روانی دانشجویان و نیاز آنها به مشاوره در برخی از دانشگاهها انجام گرفته است. نتایج حاصل شده غالباً مشابه و گاهی نیز تا حدودی مغایر بوده است. نکات مشترک در اغلب این نظرسنجی‌ها این است که اولاً بین ۳ تا ۱۲ درصد از پذیرفته‌شدگان دانشگاهها سابقه مشکلات خانوادگی، تحصیلی یا روانی دارند، ثانیاً درآغاز دوره تحصیلی، تفاوت معنی‌داری از نظر ناراحتی عصبی روانی بین دانشجویان بومی و غیربومی نیست، درحالی که پس از چند نیمسال تحصیلی

نمره کل آزمون روانی افراد بومی مطلوب‌تر از غیربومی می‌شود و ثالثاً گرچه دختران از نظر وضعیت تحصیلی بهتر از پسران هستند، ولی از نظر سلامت روحی مشکلاتشان بیش از پسران است و به‌همین دلیل، به خدمات یاورانه بیشتری نیاز دارند.

مبانی نظری پژوهش

نظریه‌های متعددی [مانند نظریه تحلیل روانی^۶، نظریه‌های روانشناختی فردی^۷، نظریه درمان مشتری - محوری^۸، نظریه درمانی گشتالت^۹ و بالاخره، نظریه درمان عقلانی - عاطفی یا روان درمانی رفتاری - شناختی^{۱۰}] در زمینه مشاوره و روان درمانی ارائه شده‌اند. از آنجایی که نظریه درمان رفتاری - شناختی هم جنبه رفتاری و هم جنبه شناختی افراد را در نظر می‌گیرد، کاربرد بیشتری نسبت به سایر نظریه‌ها دارد (Ellis, ۱۹۷۳). همچنین، امروزه با استناد به مقام و منزلت انسان نظریه مشتری - محوری مورد قبول اکثر صاحب‌نظران است (شفیع آبادی، ۱۳۶۵؛ Patterson, ۱۹۸۶). در اینجا، به دلیل محدودیت نگارش، به شرح مختصر نظریه اول می‌پردازیم.

نظریه درمان رفتاری - شناختی را در سال ۱۹۵۵، آلبرت ایس، متخصص روانشناسی بالینی از دانشگاه کلمبیا، معرفی کرد. وی در شکل‌گیری نظریه خویش از فلسفه انسان‌گرایی^{۱۱} و رفتار درمانی^{۱۲} استفاده کرد. ایس، مشابه آدلر،

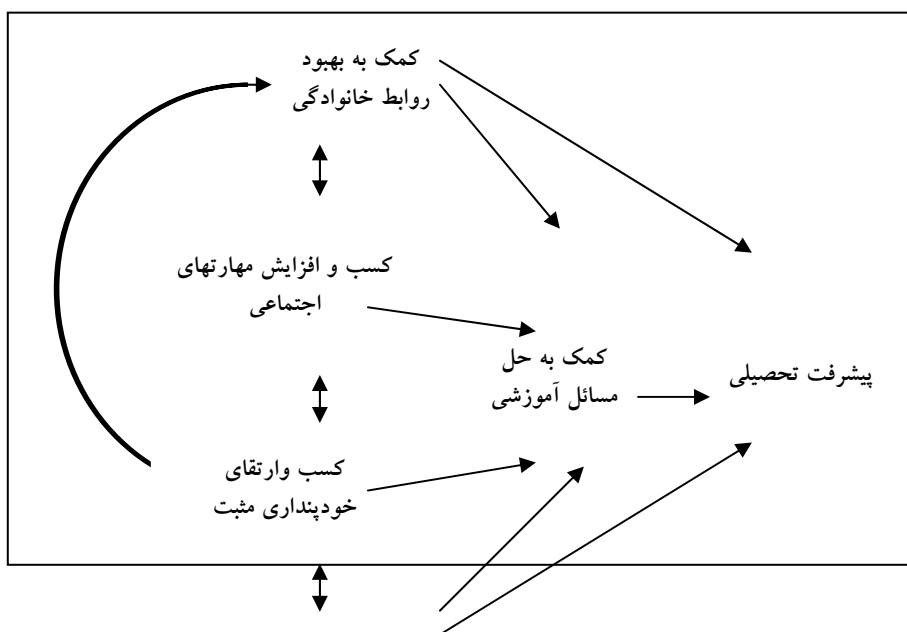
۶. Psychoanalysis
۷. Individual Theories
۸. Client - centered Therapy
۹. Gestalt Theory
 . Cognitive Behaviour Therapy (CBT)
 . Humanistic philosophy
 . Behaviour Therapy

واکنشهای عاطفی و رفتاری فرد را ناشی از نگرشها و اعتقادات وی می‌داند. او معتقد است که منبع مشکلات شخص امور خارجی و رویدادها نیست، بلکه حاصل برداشت وی از آن امور و رویدادهاست. (Ellis, ۱۹۷۳; Hawton et al., ۱۹۹۳; Viney, ۱۹۹۸) بر اساس این نظریه، وقتی تفکر و رفتار شخص عقلانی است، وی امیدوار، کارآمد و توانمند است.

خدمات یاورانه جهت دار در اکثر موارد می‌تواند به افراد مضطرب کمک کند تا در تفکر انحرافی و رفتار یا عواطف نامناسب خویش تجدید نظر کنند. بدین ترتیب، باور داشت شخص تغییر پیدا می‌کند و منطقی می‌شود که در نتیجه آن افکار وی منطقی یا عقلانی و این امر در نهایت، به سلامت روانی او منتهی می‌شود [۱]. روان‌درمانگری که اصول درمانی رفتاری - شناختی را به کار می‌گیرد، ضمن برقراری روابط حسنه با فرد و پذیرش غیرمشروط وی، غیرمنطقی بودن افکار و احساسات نامعقولش را به او متذکر می‌شود و با آموزش باورها و افکار جدید در جریان درمان مداخله می‌کند و به ترغیب و تشویق وی در جایگزین کردن باورها و افکار درست با تفکر و اعتقادات غیرمنطقی و نادرست می‌پردازد [۲] (Tyler, ۱۹۶۹; Gysbers, ۲۰۰۱).

باتوجه به مقبولیت کنونی نظریه روان‌درمانی رفتاری - شناختی در میان روانشناسان، و تناسب آن با اهداف پژوهش حاضر، چهارچوب نظری تحقیق با استناد به نظریه مذکور طراحی شده است. فرض بر این است که خدمات یاورانه مراکز مشاوره دانشجویی می‌تواند در رفع یا تعدیل مشکلاتی نظیر مشکلات خانوادگی، اجتماعی، روانی و شغلی دانشجویان تأثیرگذار باشد. همچنین، با کاهش یا رفع این مشکلات، حل مسائل تحصیلی این دانشجویان تسهیل و امکان

پیشرفت تحصیلی آنان فراهم می‌شود، همان گونه که محققانی نظیر پولسان و همکارانش (Paulson et al., ۱۹۹۹) درباره تأثیر مشاوره و روان درمانی در تعدیل مشکلات و مسائل دانشجویان دریافتند که مهم‌ترین آثار خدمات یاورانه مشاوره و روان درمانی به تسهیل بهبود روابط متقابل در خانواده، کسب یا افزایش مهارت‌های اجتماعی، کمک به کسب و افزایش خودپنداری مثبت و شغل‌یابی و رضایت شغلی افراد باز می‌گردد و با کاهش یا رفع این مشکلات، حل مسائل تحصیلی این دانشجویان تسهیل و امکان پیشرفت تحصیلی آنان فراهم می‌شود. در واقع، ضمن توجه به پیشینه علمی تحقیق، و دقت در نظریه مورد بحث، الگوی نظری پژوهش نقش مشاوره یا خدمات یاورانه مراکز مشاوره دانشجویی در پیشرفت تحصیلی دانشجویان ترسیم شده است؛ متغیرهای آن متأثر از یافته‌های پولسان و همکاران وی است (تصویر ۱).



کمک به حل مسائل
شغلی
→

تصویر ۱- الگوی نظری پژوهش: نقش مشاوره در پیشرفت تحصیلی دانشجویان

روش پژوهش

در این پژوهش، روش پیمایشی مقطعی^{۱۳} به کار گرفته و از مصاحبه، مطالعات کتابخانه‌ای، مشاهده و پرسشنامه به عنوان ابزارهای تحقیقی استفاده شده است. بخش سوم پرسشنامه - که متناسب با نظریه مورد استناد طراحی شده است - سؤالاتی را برحسب الگوی نظری تحقیق حاضر و متأثر از مجموعه آزمونهای نگرشی رابینسون و همکارانش (Robinson et al., ۱۹۹۱) مطرح می‌سازد. هدف عمده این بخش ارائه تصویر شفاهی از نقش مشاوره در بهبود روابط خانوادگی، تعدیل مسائل اجتماعی از طریق کسب و افزایش مهارتهای اجتماعی، کسب و ارتقای خودپنداری مثبت، و حل مسائل شغلی [به عنوان عوامل عمده روانشناختی مؤثر در حل یا تعدیل مسائل آموزشی و در نتیجه، تسهیل پیشرفت تحصیلی] دانشجویان مراجعه کننده به مراکز مشاوره دانشجویی بوده است.

در تحقیق حاضر، مشاوران مسئول در مراکز مشاوره دانشجویی و دانشجویانی که حداقل دو بار به مرکز مشاوره دانشگاه محل تحصیل خود مراجعه کرده بودند، به عنوان دو گروه مستقل پرسشنامه‌های مخصوص خود را تکمیل کردند. انتخاب نمونه گروه مشاور از جامعه آماری ۱۱۴ موردی از دانشگاههای دولتی و

آزاد اسلامی در سراسر کشور، مستخرج از گزارش سازمان ملی جوانان (۱۳۸۰)، با استفاده از فرمول نمونه‌گیری [۳] شارپ (Sharp, ۱۹۸۴) صورت گرفت. اجرای آزمایشی نشان داد که اعتبار صوری^{۱۴} پرسشنامه مناسب و روایی محتوایی نقش مشاوره در تعدیل مسائل خانوادگی، اجتماعی، شغلی و خودپنداری مثبت به ترتیب برابر با ۰/۸۰، ۰/۷۸، ۰/۸۹ و ۰/۸۹ هستند که مورد قبول اکثریت قریب به اتفاق محققان است (Barry, ۱۹۹۳; Fazeli, ۱۹۹۸). در مطالعه اصلی پس از حذف اوراق ناقص، داده‌های به دست آمده از پاسخنامه‌های ۸۲ مشاور مسئول و ۵۸۶ دانشجوی مراجعه کننده - پس از انجام دادن کارهای اولیه و کدگذاری - وارد نرم‌افزار اس پی اس اس شد.

یافته‌ها و بحث

در این بررسی، یافته‌های توصیفی^{۱۵} قابل توجهی به دست آمد که به منظور اجتناب از اطالة کلام از بیان کلیه این یافته‌ها خودداری می‌شود. با این وصف، باید یادآور شد که مشاوران مسئول شرکت کننده ۵۰ درصد مرد و ۵۰ درصد زن هستند. دامنه^{۱۶} متغیر سنی آنان از کمتر از ۳۰ سال تا بیش از ۴۰ سال در نوسان است. بیش از ۵۱ درصد از این مشاوران مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد مشاوره یا روانشناسی، حدود ۹/۸ درصد دانشنامه دکتری تخصصی و بیش از ۲۹ درصد مدرک کارشناسی دارند. قریب ۸۶ درصد از آنان در جمهوری اسلامی ایران و نزدیک به ۱۰ درصد در کشورهای دیگر به تحصیلات عالی پرداخته‌اند.

-
- . Face Validity
 - . Descriptive Analyses
 - . Range

در زمینه چگونگی مراکز مشاوره دانشجویی، حدود ۷۷ درصد از پاسخ‌دهندگان محل خدمت خویش را فعال یا بسیار فعال ارزیابی می‌کنند. قریب به ۱۹/۵ درصد از آنان مرکز مذکور را تا حدودی فعال می‌دانند. تقریباً ۳۹ درصد از این مراکز بین سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۷۵ و ۳/۴ درصد بین سالهای ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۴ تأسیس شده‌اند. وسعت فضای این مراکز از ۱۲ مترمربع تا ۱۷۰۰ مترمربع است و بیش از ۴۵ درصد از آنها دارای یک اتاق هستند. حدود ۱۸ درصد از این مراکز صرفاً دارای یک نفر عضو تمام وقت هستند و اکثریت قریب به اتفاق آنها ارتباط چندانی با سایر واحدهای دانشگاهی ندارند. تعداد دانشجویان مراجعه‌کننده در سال گذشته در ۳۴ درصد از مراکز تا بیست نفر و در ۲۰ درصد از آنها بیش از دویست نفر بوده است.

البته، از آنجایی که تعداد دانشجویان دانشگاهها متفاوت است، لذا محدودیت جمعیتی آنان دلیلی بر فعال نبودن مرکز نیست. دانشگاههای واقع در شهرهای بزرگ دارای دانشجویان بیشتری هستند، لذا دانشجویان مراجعه‌کننده آنها نیز نسبت به مراکز آموزش عالی کم جمعیت بیشتر است. به ویژه اینکه تعداد زیادی از دانشجویان این دانشگاهها از شهرهای کوچک و روستاها آمده‌اند که به دلیل دور بودن از خانواده و مواجهه با فرهنگی متفاوت نیاز بیشتری به خدمات یاورانه مراکز مشاوره دانشجویی پیدا می‌کنند. چنان که محققان بسیاری طی بررسی‌های متعدد خویش به این نتیجه رسیده‌اند که امروزه جوانان، به ویژه دانشجویان، بیش از پیش با مسائل مورد نظر مواجه‌اند، به همین دلیل آنها نیاز مبرمی به استفاده از خدمات یاورانه مراکز مشاوره دارند (Borders, ۲۰۰۲; Green & Keys, ۲۰۰۱).

مشاهدات حضوری در برخی از مراکز مشاوره دانشجویی در تهران نشان می‌دهند که مصداق شاخصهای یک مرکز مشاوره [مثل فضای کافی، دور بودن از سر و صدا یا برقرار بودن آرامش و سکوت و مسائلی از این قبیل] که توسط دست‌اندرکاران در این زمینه (ثنایی، ۱۳۷۷، ۱۳۴۹؛ Green & Gysbers, ۲۰۰۱) Keys, ۲۰۰۱) توصیه شده، از دانشگاهی به دانشگاه دیگر متفاوت است. چنان که برخی از این مراکز (حدود ۱۹ درصد) خارج از دانشگاه مستقرند و به‌صورت یک نهاد جداگانه، و تحت مدیریت توانمندی، اداره می‌شوند. قریب ۸۱ درصد از این مراکز در داخل دانشگاه در محیط محدودی فعالیت می‌کنند. استقرار این مراکز در دانشگاه و محدودیتهای محیطی آنها نه تنها برخی از شاخصهای مورد نظر را متأثر می‌سازد، که موجب می‌شود دانشجویان رغبت کمتری برای مراجعه به این مراکز از خود نشان دهند، زیرا رفت و آمد به این مراکز در معرض دید همگان، به ویژه سایر دانشجویان، قرار دارد که نوعی نیروی دافعه به حساب می‌آید (Forest, ۱۹۸۹).

در ابتدای محاسبات تحلیلی^{۱۷}، ضریب همبستگی میان متغیرهای کلیدی (چهارعامل نظری) سایر سؤالات مطرح شده در بخش مربوط محاسبه شد. متغیرهایی که با هریک از عوامل اصلی یاد شده دارای ارتباط معنی‌دار و بالایی بودند، با عنوان همان گروه دسته‌بندی شدند. در این محاسبات سه پرسش با کمک به بهبود روابط متقابل در خانواده، چهارسؤال با عامل کسب یا افزایش مهارتهای اجتماعی، شش سؤال با کمک به کسب و ارتقای خویش‌پنداری مثبت و سه سؤال با کمک به حل مسائل شغلی دارای ارتباط نزدیک و ضریب

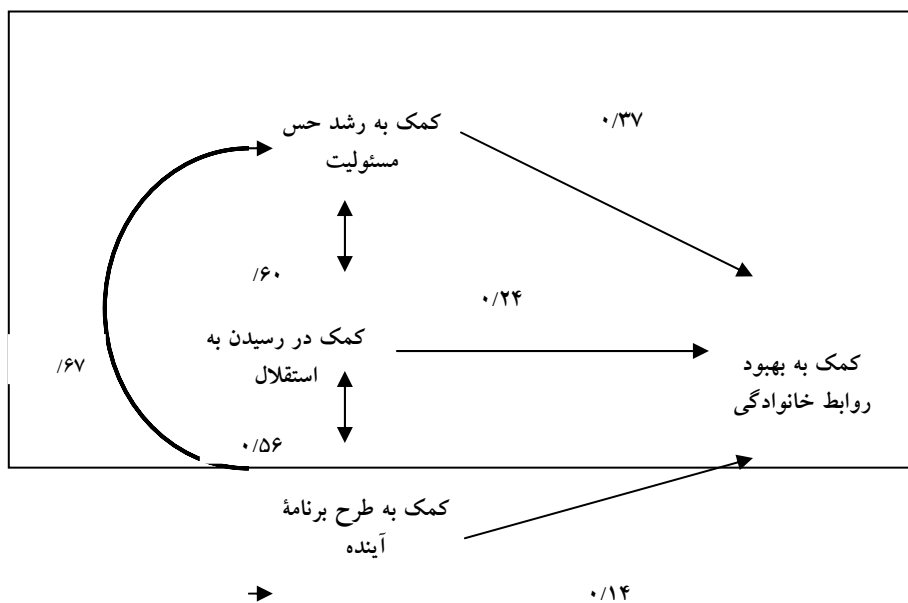
همبستگی معنی‌داری بودند. سپس، با توجه به نتایج به دست آمده، چند عملیات رگرسیونی انجام گرفت که در این قسمت خلاصه‌ای از یافته‌های عملیات آماری مزبور بیان می‌شود.

کمک به بهبود روابط متقابل در خانواده

اولین جزء^{۱۸} از مدل نظری تحقیق حاضر مربوط به کمک به بهبود روابط متقابل در خانواده (بهبود روابط خانوادگی) بود. این عامل بدو یک متغیر وابسته به حساب می‌آمد و سه متغیری که با آن ارتباط معنی‌دار داشتند می‌توانستند در پیش‌بینی‌اش دخیل باشند. نتایج به دست آمده از یک محاسبه رگرسیونی نشان می‌دهد که پیش‌بینی هر سه متغیر مستقل معنی‌دار است. در این عملیات آماری، کمک به رشد حس مسئولیت فرد مراجعه‌کننده با ضریب رگرسیون استاندارد شده‌ای معادل ۰/۳۷ در مقام نخست قرار دارد. کمک به رسیدن به استقلال و برنامه‌ریزی برای آینده، با ضرایب ۰/۲۴ و ۰/۱۴، به ترتیب در درجه دوم و سوم اهمیت قرار دارند.

علاوه بر این، روابط متقابل معنی‌داری (از ۰/۵۶ تا ۰/۶۷) نیز بین عوامل پیش‌بینی‌کننده یا متغیرهای مستقل مورد استفاده در این بررسی وجود دارد. معنی‌داری روابط مذکور حاکی از آن است که عوامل مورد نظر در پیش‌بینی بهبود روابط متقابل در خانواده فرد همراه یکدیگر عمل می‌کنند. این یافته‌ها پاسخ مثبتی به بخشی از سؤال اول پژوهش حاضر ارائه می‌کنند و با توصیه‌های برخی از نویسندگان هماهنگ هستند که از آن به عنوان استفاده از مشاوره برای بهبود

«روابط همنشینانه»^{۱۹} (ثنایی، ۱۳۷۷) یاد می‌کنند. در تصویر ۲ خلاصه این ارتباطها نشان داده شده است.



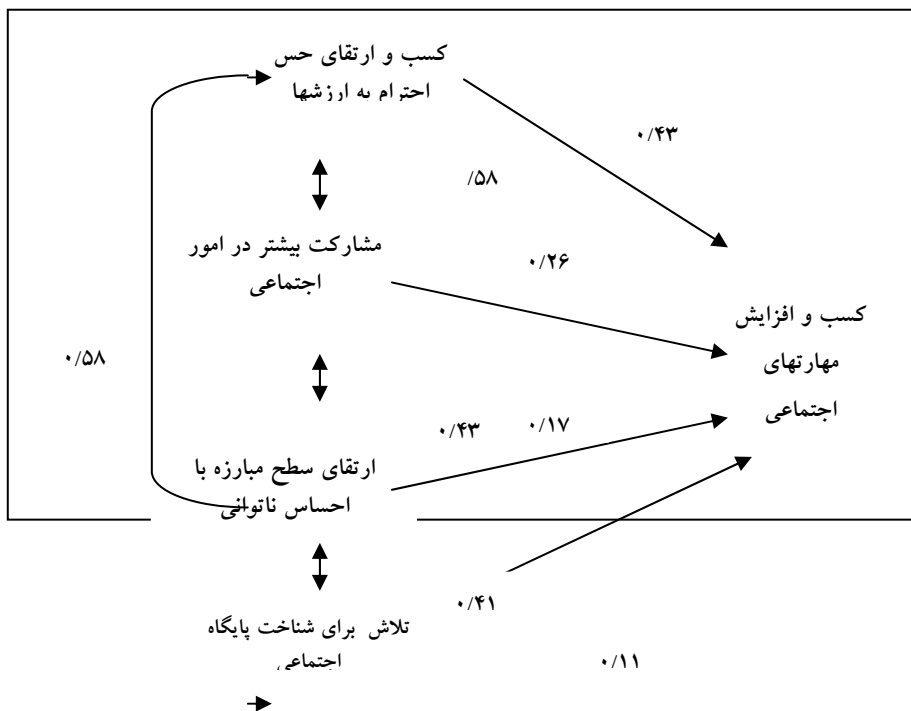
تصویر ۲- روابط بین متغیر ارتقا یا بهبود روابط خانوادگی و عوامل پیش‌بینی کننده آن

کسب و افزایش مهارت‌های اجتماعی

همان گونه که در مباحث پیشین بیان شد، چهار متغیر مستقل اولیه در پیش‌بینی عامل کمک مشاور به کسب و افزایش مهارت‌های اجتماعی شرکت داشتند. حاصل محاسبات معادله رگرسیونی دیگری گویای این امر است که هرچهار عامل بدوی در پیش‌بینی متغیر وابسته مورد نظر معنی‌دار هستند. با این وصف، بهترین پیش‌بینی‌کننده ترغیب فرد به احترام به ارزشهای اجتماعی موجود با ضریب

۱۹. Interpersonal Relationships

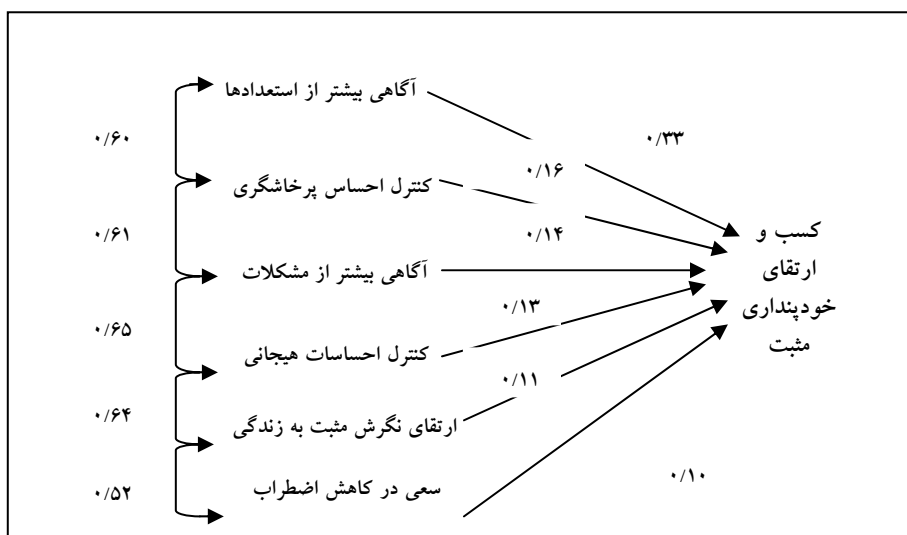
رگرسیون استانداردش ده‌ای^{۲۰} معادل ۰/۴۳ است. دومین پیش‌بینی کننده با ضریب رگرسیون ۰/۲۶ کمک به فرد به منظور مشارکت بیشتر در امور اجتماعی و فرهنگی است. ارتقای سطح مبارزه با احساس ناتوانی در مقابل مسائل اجتماعی و کمک به شناخت پایگاه اجتماعی - اقتصادی خویش به ترتیب در سومین و چهارمین مرتبه پیش‌بینی قرار گرفته‌اند. در تصویر ۳ خلاصه ای از این ارتباطها نشان داده شده است.



تصویر ۳- روابط بین متغیر ارتقای مهارتهای اجتماعی و عوامل پیش‌بینی کننده آن

کمک به کسب و ارتقای خودپنداری مثبت

ضریب رگرسیونی استاندارد شده هر شش عامل پیش‌بینی کننده اولیه کمک به کسب و ارتقای خودپنداری مثبت دانشجویان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره دانشجویی، به‌عنوان سومین عامل تشکیل‌دهنده مدل نظری طرح تحقیقاتی حاضر، معنی‌دار است. آگاهی بیشتر از استعدادها دارای ضریب رگرسیونی استاندارد شده‌ای برابر با ۰/۳۳، کنترل احساس پرخاشگری معادل ۰/۱۶، آگاهی بیشتر از مشکلات عمیق‌تر مساوی ۰/۱۴ و سعی در کنترل احساسات هیجانی با ضریبی معادل ۰/۱۳ به ترتیب در رتبه‌های اول تا چهارم قرار گرفته‌اند. دو عامل دیگر در رتبه‌های بعدی قرار دارند. مشابه یافته‌های پیشین، این نتیجه نیز در صدد یافتن پاسخی مثبت به بخشی از سؤال اول تحقیق حاضر است و به تأیید یافته‌های سایر محققان (Paulson et al., ۱۹۹۹; Viney, ۱۹۹۸) می‌پردازد. در تصویر ۴ این ارتباطها نشان داده شده است.

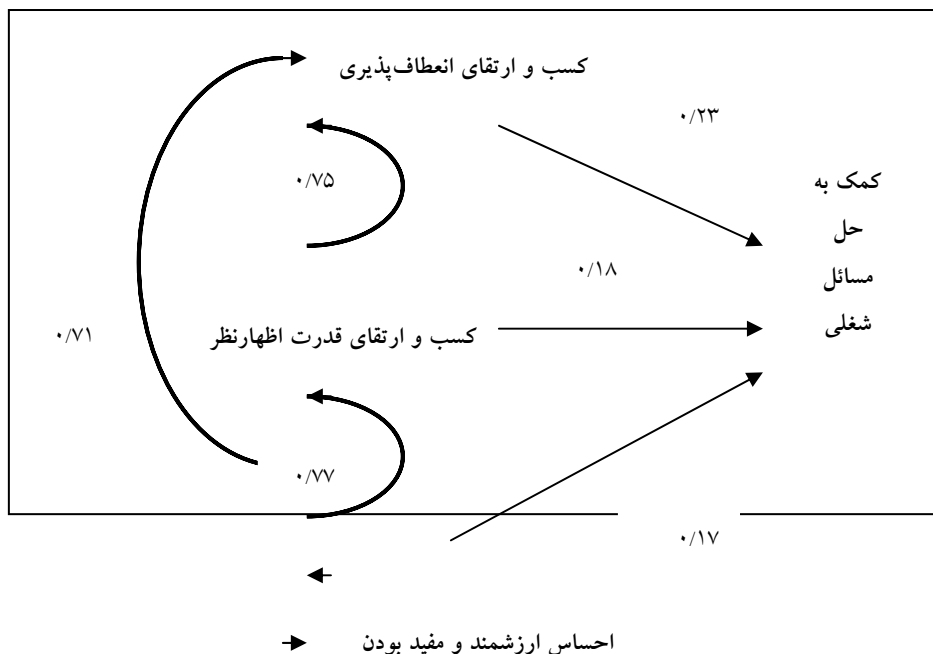


تصویر ۴- روابط بین کسب و ارتقای خودپنداری مثبت و عوامل پیش‌بینی کننده آن

کمک به حل یا تعدیل مسائل شغلی

کمک به حل یا تعدیل مسائل شغلی، به عنوان آخرین عامل مدل نظری تحقیق حاضر نیز در بدو امر، خود متأثر از سه عامل پیش‌بینی کننده دیگر بود. یافته‌های محاسبات تحلیلی نشان می‌دهند که ضریب رگرسیونی استاندارد شده هر سه عامل معنی دار است. با وجود این، ضریب کسب و ارتقای انعطاف‌پذیری برابر با ۰/۲۳، کسب و ارتقای قدرت اظهار نظر معادل ۰/۱۸ و احساس ارزشمند و مفید بودن از نظر فعالیت اجتماعی مساوی با ۰/۱۷ است. محاسبه ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که کلیه متغیرهای مستقل مورد استفاده با ضرایب بالایی در ارتباط‌اند. جزئیات بیشتر در تصویر ۵ نشان داده شده است.

با به دست آمدن این یافته‌ها، پاسخ سؤال شماره ۱ پژوهش داده شد. این نتایج مثبت و قابل توجه مؤید یافته‌ها و توصیه‌های سایر محققان، صاحب‌نظران و نویسندگان در این زمینه‌اند. چنان که با توجه به این واقعیت‌هاست که براون (Brown, ۲۰۰۳) و شفیع‌آبادی (۱۳۸۱) به بحث در اطراف اهمیت مشاوره شغلی می‌پردازند و هدف اصلی آن را کمک به حل مشکلات شغلی به منظور افزایش رضایت و کارآمدی فرد معرفی می‌کنند. به همین ترتیب، صاحب کتاب آزمونهای روانی (براهنی، ۱۳۶۴) بخش مهمی از تستهای روانشناختی خود را به آزمونهای شغلی اختصاص داده است.



تصویر ۵- روابط بین کمک به حل یا تعدیل مسائل شغلی و عوامل پیش‌بینی کننده آن

محاسبات تکمیلی داده‌ها

در محاسبات تکمیلی داده‌ها چهار عاملی که قبلاً مورد مطالعه قرار گرفته بودند، این بار به عنوان متغیرهای پیش‌بینی کننده یا مستقل، متغیر کمک به حل مسائل آموزشی به منزله یک متغیر واسطه و متغیر پیشرفت تحصیلی به نام متغیر وابسته وارد مدل سازی معادله ساختاری^۱، از طریق نرم‌افزار لیزرل^۲، شدند. یافته‌ها نشان می‌دهند که کل تغییرات تبیین شده در این محاسبه برابر ۰/۳۴ است. تبیین

۱. Structural Equation Modeling (SEM)

۲. Lisrel

این میزان از متغیرها حاکی از آن است که مدل طراحی شده دارای نیکویی برازش^{۲۳} لازم و از توان پیش‌بینی مناسبی برخوردار است. همچنین، در این محاسبه، نیکویی برازش استاندارد شده مساوی یک است و خی دو محاسبه شده معنی‌دار نیست؛ این خصوصیات یافته‌ها نیز مؤید نیکویی برازش و توان پیش‌بینی مطلوب است (قاضی طباطبایی، ۱۳۷۷).

در این محاسبات رابطه کلیه عوامل پیش‌بینی‌کننده - بجز یک مورد - با عامل واسطه‌ای حل مسائل آموزشی و متغیر وابسته پیشرفت تحصیلی، اعم از رابطه مستقیم یا غیرمستقیم، معنی‌دار هستند. در واقع، مجموع این عوامل پیش‌بینی‌کننده با ضریب مطلوبی قدرت پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی را دارند. همچنین، نتایج به دست آمده حاکی از آن است که در محاسبه کلی، کمک به حل مسائل تحصیلی می‌تواند در رفع مشکلات دانشجویان مؤثر واقع شود و از این طریق پیشرفت تحصیلی آنان را تسهیل کند (رحیمیان، ۱۳۷۷؛ رضازاده، ۱۳۷۸؛ Green & Keys, ۲۰۰۱; Gysbers, ۲۰۰۱; Hodges, ۲۰۰۲). با این حال، در اینجا عامل کمک به بهبود روابط متقابل در خانواده، در پیش‌بینی حل مسائل آموزشی، در مقابل پیش‌بینی‌کننده‌های قوی‌تری مانند کمک به کسب و ارتقای خودپنداری مثبت، مساعدت به ایجاد و افزایش مهارت‌های اجتماعی یا کمک به حل مسائل شغلی کمرنگ شده است.

به منظور بررسی بیشتر قدرت عامل کمک به بهبود روابط متقابل در خانواده، این عامل به عنوان یک پیش‌بینی‌کننده حل مسائل آموزشی وارد یک معادله رگرسیونی شد. نتیجه به دست آمده نشان می‌دهد که عامل مذکور در صورت عدم

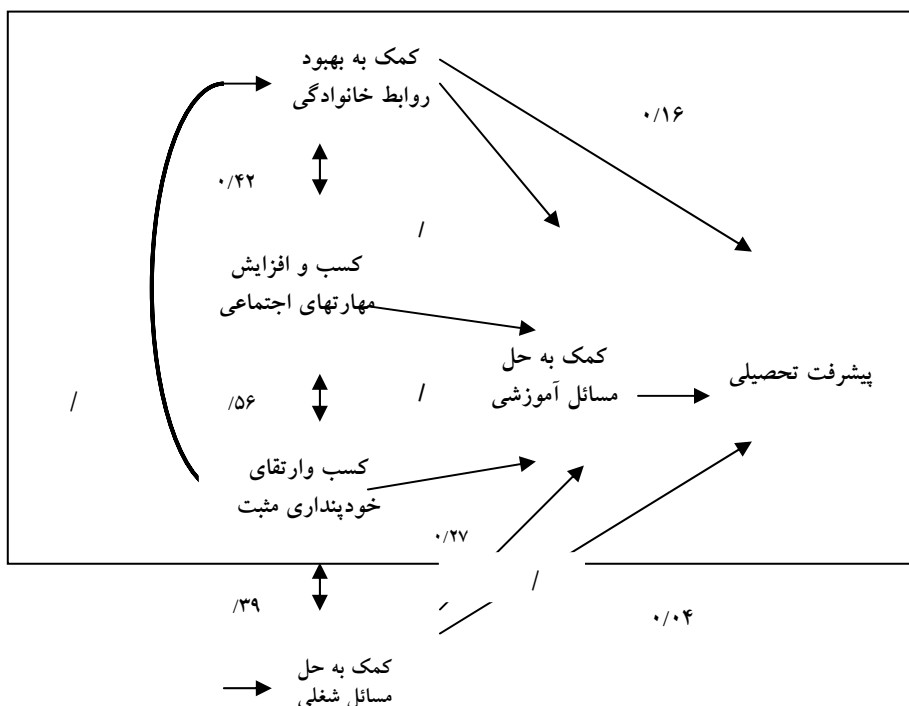
حضور پیش‌بینی‌کننده‌های قوی‌تر، از توانایی لازم برخوردار است و برحسب خلاصه این یافته‌ها ضریب رگرسیونی استاندارد شده معادل $t = ۱۰/۴۷۶$ ، ۳۹۸ ، و $p < /۰۰۰۱$ هستند.

موضوع قابل توجه دیگر منفی بودن ارتباط مستقیم عوامل کمک به حل مسائل شغلی و کمک به بهبود روابط خانوادگی با پیشرفت تحصیلی است. وجود چنین حالتی بدین معنی است که اولاً اشتغال به شغلی به علت صرف وقت دانشجویی و اشتغال فکری اضافی وی می‌تواند امور تحصیلی او را متأثر سازد. علاوه بر این، وقتی دانشجویی بیش از حد در فکر مسائل خانوادگی خود باشد، کمتر فرصت مطالعه کافی را به دست می‌آورد.

کلیه محاسبات انجام شده، بجز ارتباط بین کمک به بهبود روابط متقابل در خانواده و حل مسائل تحصیلی، با خطای ۵ درصد دارای t معنی‌دار (بالای رقم ۲) هستند. بالاترین این ارزشهای محاسباتی ($t = ۶/۵۷$) متعلق به رابطه بین کسب و ارتقای خودپنداری مثبت و کمک به حل مسائل آموزشی است. محاسبات ضریب همبستگی پیرسون در معادله ساختاری نشان می‌دهد که کلیه عوامل پیش‌بینی‌کننده به شکل معنی‌دار و با ضریب نسبتاً بالایی با یکدیگر در ارتباط هستند. بالاترین این ضرایب ($۰/۵۶$) بین عوامل کسب و ارتقای خودپنداری مثبت و افزایش مهارت‌های اجتماعی است. این یافته‌ها نشان می‌دهند که عوامل مشخص شده در مدل نظری می‌توانند در حل مسائل آموزشی منجر به پیشرفت تحصیلی دانشجویان مؤثر واقع شوند. این پاسخ مثبتی به سؤال شماره ۲ پژوهش حاضر است (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۳؛ شفیع آبادی، ۱۳۸۱). در

تأثیر مشاوره در پیشرفت تحصیلی دانشجویان ۸۳

تصویر ۶ ارتباطها و ضرایب به دست آمده از محاسبات تکمیلی نشان داده شده است.



تصویر ۶- روابط متقابل میان عوامل پیش‌بینی کننده و واسطه در حل مسائل دانشجویان

شایان ذکر است که ارتباط مثبت قوی بین این دو عامل و افزایش مهارت‌های اجتماعی و فعالیتهای شغلی در اثر حمایت خود پنداری مثبت، مورد تأیید روانشناسان و متخصصان امور اجتماعی قرار گرفته است. چنان که نظریه‌پردازانی مانند هلند (Holland, ۱۹۶۶، ۱۹۹۷) از خود پنداری مثبت به عنوان « احساس خود کارآمدی»^{۲۴} یاد می‌کنند و آن را از مهم‌ترین عواملی می‌دانند که سازگاری

۲۴. Self-efficacy

اجتماعی، هماهنگی با افراد جامعه و موفقیت در وظایف محول شده را در عمل تبیین می‌کنند و نتایج تحقیقاتی پژوهشگرانی مانند فاضلی (۱۳۸۰) مهر تأیید مجددی بر کار نظریه پردازان مورد نظر می‌زند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این بررسی پاسخ مثبتی به پرسشهای پژوهشی مطرح شده است. چنان‌که این یافته‌ها نشان می‌دهند، مراکز مشاوره دانشجویی می‌توانند در موارد چهارگانه مذکور در مدل نظری به دانشجویان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره کمک کنند و این مساعدت می‌تواند در حل مسائل آموزشی به پیشرفت تحصیلی مؤثر منجر شود. نتایج به دست آمده از محاسبات تکمیلی نه تنها مؤید یافته‌های تجزیه و تحلیل‌های بدوی پژوهش حاضر هستند، بلکه با یافته‌های تحقیقات بسیاری از پژوهشگران دیگر (Kenneth et al., ۲۰۰۲; Feller, ۲۰۰۳; Little, ۲۰۰۱; Paisley & McMahon, ۲۰۰۱; Legum & Hoare, ۲۰۰۴) نیز همخوانی و هماهنگی دارند. به ویژه اینکه دستاوردهای مذکور نتایج به دست آمده توسط پولسان و همکارانش (۱۹۹۹) را تأیید می‌کنند. بدین ترتیب، این مراکز با ارائه خدمات مشاوره‌ای توسط مشاوران و روان‌درمانگرهای توانمند و باتجربه می‌توانند در بهبود روابط متقابل در خانواده، کسب یا ارتقای مهارت‌های اجتماعی، کسب و افزایش خودپنداری مثبت و حل یا تعدیل مسائل شغلی دانشجویان نقش ارزنده‌ای را ایفا کنند. مهم‌ترین عامل مؤثر در فرایند ارائه این خدمات، کمک به کسب و ارتقای خودپنداری مثبت در دانشجویان مراجعه‌کننده است.

البته، یادآوری این نکته لازم است که بیش از ۴۵ درصد از مراکز مشاوره دانشجویی دارای یک اتاق و حدود ۱۸ درصد از آنها صرفاً دارای یک نفر عضو تمام وقت است. همچنین، قریب ۸۱ درصد از این مراکز در داخل دانشگاه در محیط محدودی فعالیت می‌کنند، در حالی که اکثریت قریب به اتفاق آنها ارتباط چندانی با سایر واحدهای دانشگاهی ندارند. لذا تقویت و توجه بیشتر به این نهادهای ارزشمند ضروری به نظر می‌رسد.

یادداشتها

- [۱] باورداشت منطقی == < نتایج منطقی == < شخصیت سالم؛ باورداشت غیرمنطقی == < نتایج غیرمنطقی == < اختلال شخصیت
- [۲] این نظریه را نظریه عقلائی - عاطفی (Rational - emotional) نیز می‌نامند.

$$n = \frac{pqt^{2n}}{Nd2 + pq^{t^2}} \quad [۳]$$

منابع

الف. فارسی

۱. براهنی، محمد تقی (۱۳۶۴، مترجم)؛ **آزمونهای روانی**؛ نوشته الف. آناستازی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲. ثنایی، باقر (۱۳۴۹، مترجم)؛ **مشاوره**؛ نوشته جوزف پرز، تهران: ناصر خسرو، مؤسسه مطبوعاتی عطائی.

۳. ثنائی، باقر (۱۳۷۷، مترجم)؛ روان درمانی و مشاوره؛ تهران: انتشارات چهر، ص. ۷۵.

۴. خزائلی، مهناز، مریم رسولیان و عیسی کریمی (۱۳۷۴)؛ بررسی سلامت روانی دانشجویان رشته پرستاری دانشگاه علوم پزشکی ایران؛ خلاصه مقالات سومین سمپوزیوم سراسری استرس، ص. ۲.

۵. رحیمیان، حوریه بانو (۱۳۷۷)؛ نظریه‌ها و روشهای مشاوره و روان درمانی؛ تهران: انتشارات مهرداد.

۶. رضازاده، سیدمحمدرضا و صدیقه یگانه (۱۳۷۸)؛ بررسی وضعیت تحصیلی، خانوادگی و سلامت روانی دانشجویان کارشناسی ورودی ۱۳۷۶؛ دانشگاه صنعتی خواجه نصیر طوسی، معاونت دانشجویی و فرهنگی، دفتر مشاوره دانشجویی.

۷. ریاضی، ابوالحسن (۱۳۷۹)؛ گزارش بیست و پنجمین گردهمایی معاونان فرهنگی و دانشجویی و سومین گردهمایی تخصصی مدیران فرهنگی دانشگاههای سراسر کشور؛ تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۲۰-۲۲ اردیبهشت ۱۳۷۹.

۸. سازمان ملی جوانان (۱۳۸۳)؛ نقش «مشاور» در دنیای متغیر جوانان امروز (وضعیت موجود)؛ سازماندهی مراکز خدمات مشاوره ای؛ ص. ۳.

<http://www.nyoir.org/conferencecenter/part/section3.asp>

۹. سازمان ملی جوانان (۱۳۸۰)؛ ویژه‌نامه سومین همایش ملی سازماندهی خدمات مشاوره‌ای در کشور؛ تهران: دبیرخانه شورای هماهنگی مراکز خدمات مشاوره‌ای، صص. ۹-۱۰.

۱۰. سودایی، منصور (۱۳۷۵)؛ مقایسه اثر روش‌های مشاوره فردی و گروهی: با تأکید بر روش عقلانی - عاطفی در کاهش باورهای غیرمنطقی دانشجویان پسر مجرد رشته‌های دبیری علوم پایه سنین ۱۸ تا ۲۴ دانشگاه شهید چمران در سال تحصیلی ۷۴-۷۵.
۱۱. شفیع آبادی، عبدا... (۱۳۸۱)؛ راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه‌ای و نظریه های انتخاب شغل؛ تهران: انتشارات رشد، چاپ دوازدهم.
۱۲. شفیع آبادی، عبدا... و غلامرضا ناصری (۱۳۶۵)؛ نظریه‌های مشاوره و روان درمانی؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۳. شکری، افسون (۱۳۷۵)؛ بررسی رابطه مشکلات مراجعان به مرکز مشاوره دانشجویی دانشگاه تربیت معلم تهران: با سن، جنس، تحصیلات، وضعیت تأهل، تعداد دفعات مراجعه به مرکز توسط مراجعان و روش مشاوره‌ای به کارگرفته شده در مرکز مشاوره توسط مشاور؛ رساله کارشناسی ارشد.
۱۴. فاضلی، ع. (۱۳۸۰)؛ سازگاری شغلی و عوامل مؤثر بر آن در میان دانش‌آموختگان دوره‌های تحصیلات تکمیلی؛ گزارش تحقیقاتی، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
۱۵. فاضلی، ع. (۱۳۸۱)؛ وضعیت موجود مراکز مشاوره دانشجویی و تأثیر مشاوره در پیشرفت تحصیلی دانشجویان؛ گزارش تحقیقاتی، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
۱۶. قاضی طباطبایی، سید محمود (۱۳۷۷)؛ «روش‌های لیزرل و ساختار آنها»؛ نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز؛ شماره ۱۶۹، صص. ۴۳-۷۶.

۱۷. کابلی، مجید (۱۳۷۵)؛ مقایسه اثربخشی‌های مشاوره فردی و گروهی: با تأکید بر روش مراجعه محوری در افزایش خودپنداری دانشجویان پسر مجرد رشته‌های فنی و مهندسی سنین ۱۸ تا ۲۴ دانشگاه شاهرود در سال تحصیلی ۱۳۷۵ - ۱۳۷۴، رساله کارشناسی ارشد از دانشگاه شاهرود.
۱۸. کافی، بوالهروی و پیروی (۱۳۷۷)؛ خلاصه گزارش طرح پژوهشی مقایسه وضع تحصیلی و سلامت روانی گروهی از دانشجویان دانشگاه تهران: دربدو ورود و پس از سه سال؛ حوزه معاونت، مرکز مشاوره دانشجویی دانشگاه تهران.
۱۹. کافی، بوالهروی و پیروی (۱۳۷۳)؛ بررسی وضع تحصیلی و سلامت روانی دانشجویان؛ واحد پژوهش دفتر مشاوره دانشجویی، دفتر مشاوره دانشجویی دانشگاه تهران.
۲۰. منصورکیانی، پریدخت (۱۳۷۴)؛ بررسی و مقایسه تأثیر روش‌های مشاوره فردی و گروهی: در کاهش میزان اضطراب دانشجویان دختر مقطع کارشناسی سال تحصیلی ۱۳۷۵-۱۳۷۴، دانشگاه تربیت معلم تهران.
۲۱. مولوی، حسین (۱۳۷۷)؛ «بررسی اعتبار پرسشنامه ارزیابی خود در رابطه با گرایش به روان‌پریشی در پرسشنامه شخصیتی آیزنک»؛ فصلنامه اندیشه و رفتار، سال سوم، شماره ۴، صص. ۸۲ - ۷۶.
۲۲. هرمزی، محمود (۱۳۷۶)؛ بررسی عوامل مؤثر برافت تحصیلی دانشجویان دانشگاه پیام نور (آموزش از راه دور)؛ چکیده پایان نامه‌های ایران، دوره ۵، شماره ۲.

۲۳. یعقوبی، حمید (۱۳۷۶)؛ بررسی وضعیت سلامت روانی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گیلان (۱۳۷۵-۷۶)؛ گزارش طرح پژوهشی معاونت امور فرهنگی و دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گیلان.

ب. لاتین

۱. Barry, M.M. (۱۹۹۳); **Changing Public Attitudes Towards Psychologists**; Dissertation, Wollongony University.
۲. Bishop, J.B., K.W. Bauer & E.T. Becker (۱۹۹۸); "A Study of Counseling Needs of Male and Female College Students"; **Journal of College Students Development**, ۳۹, pp. ۲۰۵ – ۲۱۰.
۳. Borders, L.D. (۲۰۰۲); "School Counseling in the ۲۱st century: Personal and Professional Reflections"; **Professional School Counseling**, Vol. ۵ (۳), pp. ۱۸۰-۱۸۶.
۴. Brigman, G. & C. Campbell (۲۰۰۳); "Helping Students Improve Academic Achievement and School Success Behavior"; **Professional school Counselling**, Vol. ۷ (۲) pp. ۹۱-۹۸
۵. Brown, D. (۲۰۰۳); **Career Information, Career Conseling and Career Development**; Boston: Pearson Education, Inc.
۶. Ellis, Albert (۱۹۷۳); **Humanistic Psychotherapy: The Rational – emotive Approach**; New York: the Jugian Press Inc.
۷. Fazeli, E. (۱۹۹۸); **Psychosocial Predictors of Substance Use: Among Young People in two Cultures**; Australia: Wollongong University.

۸. Feller, R. W. (۲۰۰۳); "Aligning School Counseling, the Changing Workplace and Career Development Assumptions"; **Professional School Counseling**, Vol. ۶ (۴).
۹. Forest, L. (۱۹۸۹); "Guiding, "Supporting and Advising Students"; The Counselor Role, In U. Delworth & G. R. Hanson (Eds). Student services. **A Handbook for the Helping Professors**; Sanfrancisco: Jossey – Bass, pp. ۲۶۵–۲۸۳.
۱۰. Ghaffarian, Shireen (۱۹۹۸); "The Oacculturation of Iranian Immigrants in the United States and the Implications of Mental Health"; **The Journal of Social Psychology**, Vol. ۳۸(۵).
۱۱. Gilbert, S.P. (۱۹۹۲); "Ethical Issues in the Treatment of Severe Psychopathology in University and College Counseling Centers"; **Journal of Counseling and Development**, ۷۰, pp. ۶۹۵–۷۰۰, ۶۴۵–۶۵۴.
۱۲. Green, A. & S.G. Keys (۲۰۰۱); "Expanding the Developmental School Counseling Program: Meeting the Needs of the ۲۱st Century Student"; **Profesional School Counseling**, ۵, pp. ۹۸–۹۵.
۱۳. Gysbers, N.C. (۲۰۰۱); "School Guidance and Counseling in the ۲۱st Century: Remember the Past into the Future"; **Professional school Counseling**, ۵, pp. ۹۶–۱۰۵.
۱۴. Hawton, K., P.M. I. salkovskis, Kirk & D.M. Clark, (۱۹۹۳); **Cognitive Behaviour Therapy for Psychiatric Problems: A practical guide**; UK: Oxford University Press.
۱۵. Hodges, S. (۲۰۰۲); "University Counseling Centers at the Twenty – first Century: Looking Forward, Looking back"; **Journal of College Counseling**, Vol. ۴(۲), pp. ۱۶۱–۱۷۴.

۱۶. Holland, J.L. (۱۹۶۶); **The Psychology of Vocational Choice**; Waltham, Massachusetts: Blaisdell Publishing Company, pp. ۱-۱۳۵.
۱۷. Holland, J. L. (۱۹۹۷); **Making Vocational Choices: A Theory of Vocational Personalities and Work Environment**; Third Edition, Odessa, FL: Psychological Assessment Resources.
۱۸. Jackson, S.W. (۱۹۹۹); **Care of Psyche: A History of Psychological Healing**; USA: Yale University Press, pp. ۱۶-۳۳.
۱۹. Kenneth, M. Coll & A. Stewart Roger, (۲۰۰۲); "Collaboration Between Counseling Services and Academic Program: An Exploratory Study of Student Outcome"; **Journal of College Counseling**, Vol. ۵ (۲), pp. ۱۳۵-۱۴۲.
۲۰. Lapan, R.T., C.A. Kardash et al. (۲۰۰۲); "Empowering Students to Become Self-regulated Learners"; **Professional School Counseling**, Vol. ۵ (۴), pp. ۲۵۷-۲۶۶.
۲۱. Legum, H. L. & C. H. Hoare (۲۰۰۴); "Impact of a Career Intervention on at - Risk Middle School Students' Career Maturity Levels, Academic Achievement, and Self-esteem"; **Professional School Counseling**, ۸, No. ۲, pp. ۱۴۸-۱۵۵
۲۲. Legum, H.L. & C.H. Hoare (۲۰۰۴); "Impact of a Career Intervention on at Risk Middle School Students' Career Maturity Levels, Academic Achievement and Self- esteem"; **Professional School Counseling**, ۸, No.۲, pp. ۱۴۸-۱۵۵.
۲۳. Littrel, J.M. (۲۰۰۱); "Transforming Counseling Theory and Practice". **Journal of Counseling and Development**, Vol. ۷۹, pp. ۱۰۵-۱۱۸.

۲۴. Mayfield, W.A., C.A.M. Kardash & D.M. Kinlghan (۱۹۹۹); "Differences in Experienced and Novice Counselors' Knowledge Structures about Clients: Implications for Case Conceptualization"; **Journal of Counseling and Psychology**, Vol. ۴۶ (۴) pp. ۵۰۴-۵۱۴.
۲۵. Paisley, P.O. & H.G. McMahon (۲۰۰۱); "School Counseling for the Twenty-first Century, Challenges and Opportunities"; **Professional School Counseling**, Vol. ۵, pp. ۱۰۶-۱۱۵.
۲۶. Patterson, C.H. (۱۹۸۶); **Theories of Counseling and Psychotherapy**; New York: Harper & Row Publishers.
۲۷. Paulson, B.L., D. Truscott & J. Stuart (۱۹۹۹); "Clients' Perceptions of Helpful Experiences in Counseling"; **Journal of Counseling and Psychology**"; Vol. ۴۶ (۳), pp. ۳۱۷-۳۲۴.
۲۸. Robinson, J.P., P.R. Shaver & L.S. Wrightsman (۱۹۹۱); **Measures of Personality and Social Psychological Attitudes**; New York: Academic Press INC, pp. ۱۲۷-۱۳۱, ۳۴۴-۳۴۷.
۲۹. Sharp, V. (۱۹۸۴); **Statistics for Social Sciences**; Boston: Little Brown and Company.
۳۰. Tyler, L. (۱۹۶۹); **The work of the Counselor**; Third Edition, New York: Appleton – Century – Crofts, (۱۹۷۳) Osipow.
۳۱. Viney, L. (۱۹۹۸); **Personal Construct Therapy: Psychotherapy: A Handbook**; Wollongong University Press.

